

۱۳۹۰۱۲۴

به نام هستی بخش

راز جذب پول در ایران (۵)

راه و رسم آدم‌های موفق در ایران چیست؟

داستان یک دونات: داستانی برای مهاجرت همه کسب و کارها!!!

تغییر اخلاق شما با روش تکرار تکرار تا پایان کتاب

نویسنده: علی اکبری



بهار سبز

سرشناسه : اکبری، علی، ۱۳۵۰ -
 عنوان و نام پدیدآور : راز جذب پول در ایران (۵): راه و رسم آدم‌های موفق در ایران چیست؟.../
 نویسنده علی اکبری.
 مشخصات نشر : تهران: بهار سبز، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری : ۱۶۰ ص.: مصور.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۸۴-۶۷-۳
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 موضوع : موفقیت در کسب و کار — جنبه‌های روان‌شناسی، ثروت — به زبان ساده.
 رده‌بندی کنگره : HF ۵۳۸۶ / ۲۴ ۱۳۹۴ ر ۶۷ الف /
 رده‌بندی دیگری : ۶۵۰/۱
 شماره کتابشناسی ملی : ۴۱۱۸۷۰۶



راز جذب پول در ایران (۵)

راه و رسم آدم‌های موفق در ایران چیست؟

نویسنده: علی اکبری
 ویراستار: فاطمه آفراده
 طراح جلد: عاطفه اکبری
 امور فنی و هنری: شهید

نوبت چاپ: دوم، بهار ۱۳۹۵
 نوبت چاپ: سوم، پاییز ۱۳۹۵
 شمارگان: ۱۵۰۰ جلد
 لیتوگرافی: صاحب
 چاپ و صحافی: گنج شایگان
 قیمت: ۹۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۸۴-۶۷-۳

تهران، خیابان دکتر شریعتی، روبروی ایستگاه متروی قلهک،
 کوچه شهید سرافراز، پلاک ۴، واحد ۱

تلفن: ۳-۲۲۶۲۲۹۰۱ / کدپستی: ۱۹۴۱۹۳۳۵۸۴

آدرس سایت و فروشگاه اینترنتی: www.baharesabz.com

پست الکترونیک: info@baharesabz.ir

حق چاپ محفوظ است.

فهرست

- قبل از شروع کتاب: یک سورپرایز ۵
- بخش اول - تکریمه ای خاص موفقیت و پولدار شدن در ایران ۱۱
- فصل اول: داستان یک سگ ویج و سگ مزه ۱۳
- فصل دوم: داستان یک دونات ۱۹
- فصل سوم: داستان یک تفاوت و یک سبب عروفت شدن!!! ۲۳
- فصل چهارم: قانون ۱۰٪ بهتر از رقیب و نه ۱۰۰٪ بهتر!! ۲۹
- فصل پنجم: قانون ارزیابی به همراه زدودن تودم درست کار کردن!!! ۳۵
- بخش دوم - اخلاق‌هایی که آدم‌های موفق و پولدار دارند و اخلاق‌هایی که آدم‌های بی پول و بدبخت دارند!!! ۴۶
- فصل اول: ندانستن و اجرا نکردن قانون کاشت، داشت و برداشت و همچنین اصل رئیس جمهور قنذاقی ۴۷
- فصل دوم: ندانستن انضباط شخصی!!! ۵۵
- فصل سوم: انسان‌های زبان نفهم!!! ۵۹
- فصل چهارم: چرا ورشکست شده‌ایم و می‌شویم و یا خواهیم شد ۶۳



- ۶۹ فصل پنجم: تخصص و عشق در کار
- ۷۵ فصل ششم: چرا موفق نمی شویم؟!
- ۷۹ فصل هفتم: روزه فکری و تمرکز بر روی درستی ها
- ۸۹ فصل هشتم: تره به تخمش می ره، حسنی به ننه و باباش!!
- ۹۵ فصل نهم: اصلاً چرا بعضی ها موفق نمی شوند؟!
- ۹۹ فصل دهم: رزق مآثاری از کجا بیارم!!!
- ۱۰۵ فصل یازدهم: ایدئولوژی بی خود و مزخرف!!!
- ۱۰۹ فصل دوازدهم: غر، زندقه و نادانی
- ۱۱۵ فصل سیزدهم: توانایی «نه» گفتن.....
- ۱۱۹ فصل چهاردهم: سر وقت رسیدن + جوی بودن
- ۱۲۷ فصل پانزدهم: جذابیت در لباس و کیفیات داری؟!
- ۱۳۱ فصل شانزدهم: حرف سه مادر.....
- ۱۳۷ فصل هفدهم: اثر مرکب ← تلاش + پشت کا
- ۱۴۱ فصل هجدهم: نگهبان ساختمانی که ساختمان ساخته
- ۱۴۷ فصل نوزدهم: خیلی از ما آدم ها کور تشریف داریم!
- ۱۵۱ فصل بیستم: قدرت

قبل از شروع کتاب

یک سورپرایز



خانم فریبا معصومی: قد: ۶۰ سانت، وزن ۲۲ کیلوگرم
ولی یک آدم فوق توانمند و استادی بزرگ برای ناتوان‌های روی زمین

چند وقت پیش به شهر فومن و قلعه رودخان در شمال رفتم و افتخار اینو داشتم که با خانم فریبا معصومی آشنا بشم و کمی با هم صحبت کنیم. حالا دوست دارم به عنوان یک درس ویژه موفقیت، حاصل اون دیدار رو برای شما



خواننده گرامی بنویسم.

درس اول: روحیه فوق العاده فریبا معصومی بود که یک ساعت با هم صحبت کردیم. هم انرژی داشت و هم خنده. راست می‌گن برای موفقیت روحیه لازمه و این هم به مقدار زیاد.

درس دوم: هر مشتری که می‌آمد دم غرفه ایشان، اول بهش سلام می‌کرد و می‌گفت: در خدمتتونم. تمام این عروسک‌ها کارهای منه و خوشحال می‌شم بخرید. یادش بود بهای بازار افتادم که صبح تا شب غُرغُر می‌کنن و می‌گن بازار خرابه ولی وقتی که می‌دیدم دم کسب و کارشون حوصله ندارن حتی سلام بهت کنن، توضیح که پیش‌کش!!!

درس سوم: روی کاغذ نوشته بود: اگر از من می‌خواهید عکس بگیرید باید خرید کنید.

بهش گفتم: الحق والانصاف که کاسبی ای کاش کاسب‌های بازار از تو یاد بگیرن.

درس چهارم: گفت: تمام این کارها رو خودم با تکرار و تکرار و تکرار یاد گرفتم به همراه خدا و کمک‌هاش. یاد خودمون افتادم که سریع ناامید می‌شیم و اکثر اوقات خدا را فراموش می‌کنیم!!!

درس پنجم: گفت: با این جور کار کردنم تا الان تونستم برای مادرم خونه بخرم و جبران زحماتش رو بکنم. یاد خودمون افتادم. همین که کمی بزرگ می‌شیم، خدا رو بنده نیستیم و بی‌ادب و گستاخ می‌شیم!!!

درس ششم: وقتی که کار و شغل منو فهمید، از من راهنمایی خواست و در مورد بهبود کارش از من سؤال پرسید و بعد یاد شاگردام افتادم که در خیابان منو می‌بینن سریع احوال‌پرسی می‌کنن و می‌رن!!!

درس هفتم: کتاب‌هامو امضاء کردم و بهش دادم. گفت: الان که سرم خیلی



شلوغه ولی از برج ۸ سرم خلوت می‌شه و کتاب‌های شما رو حتماً حتماً می‌خونم!!! «قابل توجه خیلی‌ها.»

خواننده گرامی و عزیزتر از جانم: تا آخر این کتاب تکرار تکرارهای رو از آدم‌ها، موفق می‌بینی که همه و همه به هم ربط دارن و من از این روش در کتابم استفاده کردم تا بتونم در پایان کتاب چند تا از این تکرارها را جایگزین اخلاق‌های ضدمفقت شما کنم. لطفاً تو هم همراه با تکرارهای من تکرار کن تا در پایان کتاب تبدیل به یک آدم موفق‌تر و بهتری بشی.

بذار این سیستم تکرار نه‌ار تکرار را بیشتر برات توضیح بدم:

✓ شما چرا فارسی رو اسر خوب صحبت می‌کنی؟

✓ شما چرا رانندگی‌ات خوب شده.

✓ شما چرا انقدر خوب شنا می‌کنی؟

✓ شما چرا انقدر...

درواقع همه این موفقیت‌ها مربوط به تکرار است. در این به بعد با تکرار تکرار تکرار، کتاب‌های موفقیت و آدم‌های موفق، می‌بینی که مثل اون‌ها می‌شی، «شک نکن».

من در زندگیم:

خوشبختانه از بچگی به شکل‌های مختلف در قالب همسایه، راننده تاکسی، کارگر و... و همچنین مشاور و مدرس در کنار آدم‌های موفق قرار گرفتم.

از نوجوانی ۱۰۰۰ جلد کتاب در کنار این افراد خوندم...

از بچگی هر وقت تلویزیون ناصر حجازی، علی پروین، پروفیسور سمیعی، دکتر حسابی، دکتر الهی قمش‌های، علی دایی و... را نشان می‌داد، با گوش جان به حرف‌ها و صحبت‌های اون‌ها گوش می‌دادم. و همین تکرارهای زندگی بود که

منو تکمیل و کامل کرد و همیشه گفته‌ام روزی چندین بار مجبور بودم عادت‌های افراد موفق رو یاد بگیرم و تکرار کنم و «معجزه کرد».

پس نتیجه می‌گیریم که اگر خودت رو در معرض این تکرارها قرار ندی خبری از موفقیت و پول نخواهد بود، «شک نکن».

با چند ضرب‌المثل تکراری ولی فوق‌العاده کتاب را شروع می‌کنیم.

✓ بگو ای جوان دوستی تا آنکه بگویم تو کیستی.

✓ کامل به عشق در من اثر کرد و گرنه من همان خاکم که هستم.

✓ میانگین درآمد شما برابر است با میانگین درآمد ۵ تا از دوستان صمیمی شما.

✓ اگر میلیونر هستی می‌توانی با یک شبه میلیونر بشی کافیست با دوستان

میلیونر خود قطع رابطه کنی و با چند دوست میلیاردی دوستی کنی.

پس با انرژی و لبخند شروع می‌کنیم.

یک نکته حقیقی برای موفقیت تو بگم بعد از کتابم رو شروع کنم.

تا می‌تونی کتاب بخون.

تا می‌تونی کتاب‌ها رو در ذهنت تکرار کن.

تا می‌تونی کتاب‌ها رو در عمل تکرار کن.

من از خوش‌شانسیم در زندگی بالای ۱۰۰۰ جلد کتاب خرادم و خیلی جالب

مجبور شدم هر روز و هر هفته و هر سال بخونم و در ذهنم تکرار کنم و بعد هم

۱۰۰۰ بار عمل کنم. یک دفعه کل اخلاق‌های گندم موفقیتیم پاک شد و عوض

شد جوری که دوستان بدبخت قدیمی من، نه منو می‌شناسند و نه قبول دارند و

نه باور می‌کنن که این همون علی اکبری قدیم است.

یک نکته جالب: از ۱۰۰۰ جلد کتابی که خوندم ۹۰۰ تای اونها تکرار ۱۰۰

تای اولش بود به شکل دیگر و نمی‌دونم چه چیزی در ذهن و دلم می‌گفت: این



کتاب‌ها رو بخون بخون بخون و بعدش تکرار تکرار تکرار کن و بعدش عمل عمل عمل کن.

به شما خواننده گرامی هم تکرار و هم خواندن کتاب را توصیه می‌کنم. مطمئن باش پشیمان نمی‌شی. اگر پشیمان شدی زنگ بزن به شماره من!!

۰۹۱۵ ۴۰۴۰۴۰۹

ارادتمند - علی اکبری

نویسنده ایرانی



[telegram.me/baharesabz1](https://t.me/baharesabz1)

لطفاً بهار سبزا در تلگرام پیگیری کنید